

# اختصارسازی در زبان فارسی

## کیوان زاهدی

دانشگاه شهید بهشتی

## لیلا شریفی

کارشناس ارشد زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

### چکیده:

این مقاله با بررسی انواع اختصار و اختصارسازی در زبان فارسی کنونی نگاهی تاریخی نیز به این فرایند واژه‌سازی دارد و با ارائه شواهدی نشان می‌دهد که علیرغم نظر برخی از صاحب‌نظران این حوزه، اختصارسازی در زبان فارسی قاعده‌مند و دارای قدمتی دیرینه است و حتی به دوران کتیبه‌نگاری برمی‌گردد. در این پژوهش، نگارندگان این بحث را برپایه اصول اقتصاد<sup>۱</sup> و کم‌کوشی<sup>۲</sup> گذارده‌اند که زیف<sup>۳</sup> در سال ۱۹۴۹ مطرح کرده بود. زیف و مارتینه (۱۹۶۲) در این مورد عنوان می‌کنند که اصل اقتصاد و کم‌کوشی در تمامی جوانب زندگی انسان، از حرکت و تولید گرفته تا سخن گفتن دیده می‌شود. رابطه فوق در زبان نیز وجود دارد و در همین راستا اصل اختصار بیان می‌شود که به‌طور دقیق می‌توان گفت رابطه معکوس بین طول کلمه‌ها و فراوانی کاربرد آن‌ها وجود دارد. پژوهش حاضر براساس پیکره نوشتاری و گفتاری انجام گرفته و نمونه‌های ارائه شده از منابعی چون فرهنگ‌ها، مقالات و آگهی‌ها گردآوری شده‌اند. پس از بررسی حدود ۴۰۰ واژه اختصاری فارسی گردآوری شده، ۶ طبقه اصلی و حدود ۵۰ طبقه فرعی شناسایی شده‌اند. مقاله حاضر با ذکر الگوهای ساختواژی اختصارات و با تایید نظریه زیف، نشان می‌دهد نیروی بازدارنده‌ای وجود دارد که توسط اصل اقتصاد گوینده و شنونده اعمال می‌گردد.

**کلید واژه‌ها:** اختصارسازی، اصل اقتصاد، اصل کم‌کوشی.

### ۱. مقدمه

زبان مجموعه‌ای از نشانه‌ها و علائم است که بر معانی دلالت می‌کنند و امروزه بخشی از این علائم از راه کوتاه‌کردن علائم دیگر حاصل می‌شوند. اختصارسازی، کوتاه‌کردن کلام و در نتیجه صرفه‌جویی در وقت و مقدار نوشته است. فرایندی که در انتقال سریع اطلاعات، در ارتباطات کلامی و نوشتاری، به یکی از وسایل مهم زبانی بدل شده است. از این‌رو معیارسازی کلمات حاصل از آن، امری ضروری به نظر می‌رسد و لازم است راه‌هایی پیشنهاد شود که بتواند از قابلیت‌های زبان فارسی استفاده کرده و آن را به زبان علم نزدیک‌تر سازد تا متعاقب آن وام‌گیری از زبان‌های بیگانه به حداقل برسد و زبان فارسی از این حیث مصون بماند چراکه اکنون به یمن دانش زبان‌شناسی می‌دانیم هیچ زبانی را نمی‌توان ناتوان‌تر از زبانی دیگر دانست و همه زبان‌ها

<sup>۱</sup> economy principle.

<sup>۲</sup> least effort principle.

<sup>۳</sup> G.K. Zipf.

توانایی خلق واژه‌های تازه را دارند. سعی نگارندگان بر این است که با معرفی الگوهای مختلف اختصارسازی، گامی در جهت تدوین اصول و رهنمودهایی برای ساخت اختصارات برداشته شود و معیارهایی مدون توصیه شود که بتواند روش‌ها و اصول یکسان و هماهنگی را در این حوزه مهم و در حال گسترش زبانی ارائه کند.

در نوشته‌های یونانیان باستان، دست‌نوشته‌های قرون وسطی و کتاب آسمانی مسلمانان، قرآن کریم، کلمات اختصاری دیده می‌شوند. مثال‌های اولیه اختصارسازی به سنگ‌نوشته‌های دوران باستان و سکه‌های دوران میانه برمی‌گردد که در آن‌ها نبود فضای کافی، اختصارسازی کلمات را ضروری می‌ساخته چرا که سبب صرفه‌جویی در نوشتار می‌شده است. مطابق با آنچه که در دایرةالمعارف بریتانیکا (نورتون، ۱۹۹۴: ۱۸) آمده برای کلمه *Lēsous* (مسیح) از اختصار *IHS* به جای کلمه یونانی *IΗΣΥΣ* استفاده شده است. همچنین سربازان رومی پلاک‌هایی را حمل می‌کردند که با حروف *SPQR* برای نشان دادن «سنا و مردم روم» کنده‌کاری شده بود. آن‌ها در شهر یهودا علامتی را که روی آن *NIR* (عیسی نصرانی، پادشاه یهودیان) درج شده بود با میخ به صلیب نصب کرده بودند. کلمه «acronym» (سرواژه) نیز از کلمه یونانی *akros* (بالا) و *onyma* (نام) مشتق شده و نخستین بار در فوریه ۱۹۴۳ در مجله *American Notes and Queries* استفاده شده است. البته بانکول<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) در مقاله خود عنوان کرده است که فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد، برای نخستین بار در سال ۱۸۹۹ کلمه *initialism* و در سال ۱۹۴۳ کلمه *acronym* را به کار برده است. نخستین سرواژه‌ها شناخته شده نیستند اگرچه برخی محققان معتقدند که نمونه‌هایی را در نوشته‌های عبری باستان شناسایی کرده‌اند. به گفته فرهنگ ویکی پدیا<sup>۲</sup> استفاده از سرواژه‌ها از قرون وسطی به بعد به میزان وسیعی در زبان عبری مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال نام چند تن از مهمترین خاخام‌ها به همین ترتیب ساخته شده است. *Ball Shem Tov* که «Besht» خواند می‌شود، *Rav Moshe Ben Maimon* که به «Rambam» معروف است و *Rabbi Moshe Ben Nahmart* که با نام «Ramban» شهرت دارد. کتاب آسمانی ما قرآن، که به گذشته‌ای دورتر از قرون وسطی برمی‌گردد، حاوی کلمات خاصی است که در آغاز بیست و نه سوره از سوره‌هایش آمده‌اند و با نام **حروف مقطعه** معروفند و چنانچه از نامشان پیداست این کلمات به صورت حرف-به حرف تلفظ می‌شوند و بسیار شبیه کلمات اختصاری‌اند اما در این‌که واقعاً اختصار یک واژه یا واژه‌هایی باشند جای تردید وجود دارد چراکه بنابر کتاب‌های تفسیری مانند تفسیر نمونه (جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۲: ۶۲) و تفسیر ادبی قرآن (اسلامی پناه، ۱۳۸۳: ۳۳)، معنی این واژه‌ها مشخص نیست. وزیر سزار «مارکوس تولیوس تیرو»<sup>۳</sup> نیز از جمله کسانی بود که کلمه‌های اختصاری بسیاری وضع کرده است که نمونه‌های باقی مانده آن‌ها علامت **&** برای *et* (به زبان یونانی یعنی «و») و اختصار *etty* برای *attorney* (حذف) و یا *pp* برای *pages* هستند (نورتون، ۱۹۹۴: ۱۴-۱۳). همچنین در زبان لاتین اختصار *A.M* به جای *Ante Meridien* (قبل از ظهر) و *P.M* به جای *Post Meridien* (بعد از ظهر) به کار می‌رفته است که امروز هم استفاده می‌شوند. با توجه به نمونه‌های موجود معلوم می‌شود که تعداد اختصارات در زبان لاتین بسیار زیاد است و سابقه‌ای دیرینه دارد. در زبان و خط فارسی باستان نیز تاکنون وجود هشت نشانه با عنوان هشت اندیشه‌نگار در کتیبه‌ها تأیید شده است. به این صورت که شش کلمه در فارسی باستان هشت صورت اختصاری نیز داشته‌اند.

<sup>1</sup> A.Bankole.

<sup>2</sup> <http://wikipedia.org>

<sup>1</sup> Marcus Tullius Tiro.

البته این کلمات، که برای صرفه جویی در مقدار نوشته ساخته شده‌اند، فقط ظهور نوشتاری داشته‌اند و هنگام تلفظ به صورت کامل خوانده می‌شده‌اند. در کتابهای حوزه زبانهای باستانی مانند تفضلی (۱۳۷۵ و ۱۳۷۶) و کتابهای لاتین که در ادامه بحث نامشان آمده است. از این اختصارات به‌عنوان اندیشه‌نگار<sup>۱</sup> نام برده شده است. اما این هشت مورد شکل نیستند تا تلویحاً بتوان مفهوم آنان را دریافت، بلکه کلماتی هستند با نگارشی بسیار شبیه کلمه اصلی که شاید فقط الگوی ساخت آنها با اختصاراتی که ما اکنون می‌شناسیم شبیه نیست. لوکوک (۱۳۸۶: ۶۴) به این اختصارات اشاره کرده است که دو نمونه از آنها به همراه صورت کاملشان به خط میخی، برگرفته از کتاب اوپرت (۱۸۵۱: ۱۶۸ - ۱۳۳) به قرار زیراند:

جدول ۱. نمونه‌هایی از اختصارات فارسی باستان

ارزش معنایی	آوانویسی	حرف نویسی	صورت اختصاری	صورت کامل
اهورامزدا	Ahuramazdā	AM	𐬀𐬎𐬎𐬀	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀
خدا	Baga	BG	𐬀𐬎𐬎𐬀	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀

در خط پهلوی نیز دو نشانه **𐬀** و **𐬎** وجود دارد که برای صرفه‌جویی در مقدار نوشته، وقتی در پایان افعالی که به صورت هژوارش<sup>۲</sup> نوشته می‌شوند بیایند، ممکن است معرف هرگونه شناسه آوایی (حتی صفر) باشند. این نشانه‌های دوحرفی را می‌توان صرفاً با قیاس منطقی، با حروف همانند خودشان حرف‌نویسی کرد. **𐬀** به صورت  $x^1$  و **𐬎** به صورت  $x^2$  حرف‌نویسی می‌شوند. در آوانویسی هر دو نشانه، بنا به مورد، شناسه فعل سوم شخص مفرد یا جمع مضارع اخباری (**-ēd, -ēnd**) یا شناسه اسم مفعول (= سوم شخص مفرد ماضی: **-d, -t**) یا شناسه دوم شخص مفرد یا جمع فعل امر (**-ēd, -ē, -Ø**) یا شناسه مفرد شخص فعل خواستاری (**-ē**) و غیره به شمار می‌آیند. نبود امکانات جهت سهولت در نوشتن و سختی این کار در گذشته، دلیل بسیار خوبی برای ضرورت استفاده از اختصارات و اختصارسازی بوده است. مثال‌های نخستین در این مورد به سنگ نوشته‌ها و سکه‌های قدیمی برمی‌گردد. در دوره فارسی میانه شاهان اشکانی تا مدت‌ها نام خود را بر روی سکه‌ها به یونانی می‌نوشتند و کلمه فیلهلن (دوستدار یونان) به یونانی روی آنها دیده می‌شود و گاهی کلماتی نیز به خط پارسی به چشم می‌خورد. اما از حدود نیمه دوم قرن اول میلادی (از زمان بلاش اول، حدود ۵۱ تا حدود ۸۰-۷۶ م.) زبان و خط پارسی به کار رفته است. در ابتدا، نوشته‌های پارسی سکه‌ها شامل صورت خلاصه شده نام شاه بوده است. مانند «𐬀𐬎» (به جای **𐬀𐬎𐬎𐬀** = بلاش) و بعد در ثلث دوم قرن دوم میلادی نوشته‌ها مفصل‌تر می‌شود و نام شاه به صورت کامل ذکر می‌گردد. در روی سکه‌های مسی شاهان محلی ایلام (جنوب شرقی خوزستان) در قرن اول و دوم میلادی نیز ظاهراً نوشته‌های پارسی دیده می‌شود. مهرهایی نیز به خط پارسی در دست است. این مهرها احتمالاً متعلق به اواخر دوره اشکانی و اوایل دوره ساسانی است (تفضلی، ۱۳۷۶: ۷۹). تمامی کلمات اختصاری موجود بر روی سکه‌ها، که نشان‌دهنده نام

<sup>2</sup> ideogram.

<sup>۲</sup> هژوارش‌ها واژه‌های سامی‌الاصل (به‌ویژه آرامی) هستند که در نگارش برخی از زبان‌های باستانی، از جمله ایرانی میانه و از آن میان، بیش از همه، در متون پهلوی بکار رفته‌اند. هژوارش‌ها با خط پهلوی بصورت سامی نوشته شده و در بیان، برابر ایرانی آنها قرائت می‌شده‌اند.

شهرها و ولایات هستند (بجز معدودی) در زبان پهلوی دارای صورت کامل کلمات بوده‌اند بدین معنی که اختصارات همزمان با صورت کامل همان واژه‌ها استفاده می‌شدند (نک. شریفی، ۱۳۸۷). در زیر دو نمونه از آن‌ها ارائه می‌شود (شیندل<sup>۱</sup>: ۲۰۰۴: ۴).

جدول ۲. نمونه‌هایی از اختصارات فارسی میانه

حرف نویسی	صورت اختصاری	نام محل ضرب سکه	ناحیه
AH	𐭠𐭡𐭢	همدان	مرکزی
AM	𐭠𐭡𐭢𐭣	آمل	طبرستان

در زبان فارسی مطالعات بسیار کمی در زمینه اختصارسازی شده است و نگارندگان تنها توانسته‌اند به چند منبع دسترسی پیدا کنند. این پژوهشگران عبارتند از: کافی (۱۳۷۰)، گروه اختصارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۷۵)، مختاری‌معمار (۱۳۸۲)، کرمی (۱۳۸۴)، هراتی (۱۳۸۵) و فامیان (۱۳۸۶). در بین این پژوهش‌ها در تحقیق گروه اختصارات فرهنگستان و کافی، چند شیوه از ساخت اختصارات بیان شده است. بخش عمده مقالات مختاری‌معمار و کرمی نیز نمونه‌های خوبی از اختصارات موجود هستند و موضوع تحقیقات فامیان و هراتی سرواژه است که خانم هراتی در پایان‌نامه خود مقایسه‌ای بین سرواژه‌های زبان انگلیسی و زبان فارسی و شیوه‌هایی از ساخت آن‌ها ارائه کرده است.

توماس<sup>۲</sup> و کراولی<sup>۳</sup> (۱۹۷۳)، کرایدلر<sup>۴</sup> (۱۹۷۹)، پکستن<sup>۵</sup> (۱۹۸۶)، مونتگمری<sup>۶</sup> (۱۹۹۰)، مستر<sup>۷</sup> (۱۹۹۰)، لوپزرا<sup>۸</sup> (۲۰۰۲، ۲۰۰۴)، آرونف<sup>۹</sup> و فودرمن<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۵)، کیت<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۶) و بانکول (۲۰۰۶) از جمله کسانی هستند که در زمینه اختصارات تحقیقاتی انجام داده‌اند که از بین آن‌ها توماس و کراولی، پکستن و مونتگمری فرهنگ‌هایی از اختصارات انگلیسی تدوین کرده‌اند. مستر، مرخم‌سازی در اسامی ژاپنی را موضوع بحث خود قرار داده است. آرونف و فودرمن، کیت و لوپزرا نیز به بررسی سرواژه‌های انگلیسی پرداخته‌اند و بانکول در مقاله خود بحث جالبی در مورد موانع موجود در ترجمه اختصارات ارائه کرده است.

<sup>1</sup> N.Schindel  
<sup>2</sup> R.C.Thomas  
<sup>3</sup> E.T.Crowley  
<sup>4</sup> C.W Kreidler  
<sup>5</sup> J.Paxton  
<sup>6</sup> A.C.Montgomery  
<sup>7</sup> B.A.Mester  
<sup>15</sup> P.Lopez Rua.  
<sup>9</sup> M.Aronoff  
<sup>10</sup> K.Fuderman  
<sup>4</sup> B.Keith.

## ۲. پایگاه نظری

به نقل از سایت گلو تو پدیا<sup>۱</sup> شمارش علمی اقلام واژگانی یا متنی در قرن نوزدهم آغاز شد. در آلمان فورستمان<sup>۲</sup> (۱۸۵۲: ۱۸۴) و دروبیش<sup>۳</sup> (۱۸۶۶)، در روسیه بانجاکووسکی<sup>۴</sup> (۱۸۴۷)، در فرانسه بوردون<sup>۵</sup> (۱۸۹۲)، در ایتالیا ماریوتی<sup>۶</sup> (۱۸۸۰) و در آمریکا شرمن<sup>۷</sup> (۱۸۸۸) از جمله کسانی بودند که در این زمینه تحقیقاتی انجام دادند. اما پس از چندین سال تحقیق صرفاً توصیفی، ریاضی دان روسی، مارکوف<sup>۸</sup>، کسی که اساس نظریه «زنجیره‌ای مارکوف» را در سال ۱۹۱۳ گذاشت، مدلی ریاضی ارائه کرد که کاربرد کمی برای زبان‌شناسی داشت چرا که برای بعضی از حوزه‌های زبان‌شناسی مانند نحو، اصلاً استفاده‌ای نداشت زیرا این حوزه نیازمند مدل‌های تکرار شونده (بازگشتی) بود تا ساختارهای درونی نحو را نشان دهد. لذا، مدل مارکوف فقط به واحدهای متنی و واج‌شناختی محدود می‌شد. اما امروزه این مدل در حوزه‌های دیگری چون زبان‌شناسی رایانه‌ای نقشی محوری در متدهای زبانی بر عهده دارد. بعدها، مطالعات کمی واحدهای زبانی در مسیر ارتقاء نیازهای عملی و کاربردی زبان از جمله آموزش زبان دوم و بهینه‌سازی سیستم‌های تندنویسی قرار گرفت. به نقل از فرهنگ گلو تو پدیا مشاهدات کمی و مدل‌های ریاضی اولیه آن در حوزه واژگان توسط استوپ<sup>۹</sup> (۱۹۱۶)، یول<sup>۱۰</sup> (۱۹۲۴) و کاندن<sup>۱۱</sup> (۱۹۲۸) انجام گرفت. اما جرج کینگلی زیف (۱۹۵۰-۱۹۰۲) بود که رابطه بین کلمات و میزان بسامد را به‌طور قانون‌مند بررسی کرد. او نخستین کسی بود که یک مدل نظری برای توضیح این روابط یافت و یک فرمول ریاضی در این رابطه ارائه کرد که به «قانون زیف» شهرت یافت. زیف محقق آمریکایی بود که تحقیقاتش را ابتدا به‌عنوان لغت‌شناس آغاز کرد، اما بعدها به‌عنوان قوم‌شناس آماری شناخته شد. زیف مدت بیست سال مدرس دانشگاه هاروارد بود و بلافاصله پس از انتشار کتاب آخرش «رفتار بشر و اصل کم‌کوشی» چشم از جهان فرو بست. او معتقد بود طبق اصل کم‌کوشی، هر فرد گرایش دارد تا میانگین احتمالی میزان کار/هزینه در واحد زمان را به حداقل برساند و از این طریق تلاش خود را کاهش دهد. این سازوکار در کلیه رفتار بشر مشهود است. زیف در این زمینه معادله حداقل آرایش را بیان می‌کند. طبق این اصل، میزان کار برابر است با حاصل ضرب بسامد در جرم و در فاصله که به‌صورت فرمول زیر نشان داده شده است:

$$w = f \times m \times d$$

که در آن  $w$  برابر است با کار،  $f$  برابر است با بسامد،  $m$  برابر است با جرم و  $d$  برابر است با فاصله. به اعتقاد زیف برای رسیدن به حداکثر اقتصاد باید به‌گونه‌ای عمل کرد که مجموع حاصل ضرب فوق حداقل باشد که

<sup>5</sup> [http://www.glottopedia.de/index.php/History\\_of\\_quantitative\\_linguistics](http://www.glottopedia.de/index.php/History_of_quantitative_linguistics)

<sup>6</sup> Forestemann

<sup>7</sup> Drobisch

<sup>8</sup> Bunjakovskij

<sup>9</sup> Bourdon

<sup>10</sup> Mariotti

<sup>11</sup> Sherman

<sup>12</sup> Markov

<sup>13</sup> Estoup

<sup>14</sup> Youle

<sup>15</sup> Condon

به این رابطه «معادله حدافل<sup>۱</sup>» می‌گویند. یکی از پیامدهای معادله فوق این است که در هر نوع «بسته‌بندی» باید اصل حدافل اندازه، حدافل جرم و حدافل بسامد رعایت شود. به این ترتیب می‌توان رابطه فوق را «قانون اختصار<sup>۲</sup>» نیز نامید (زیف، ۱۹۴۹: ۶۲). زیف معتقد است معادله فوق را می‌توان در مورد کلمات زبان نیز تعمیم داد. در این حالت چنین فرض می‌شود که رابطه معکوس بین طول کلمه‌ها و فراوانی کاربرد آن‌ها وجود دارد. قانون زیف را می‌توان با نمودار پراکندگی داده‌ها، با محور لگاریتم (ترتیب رتبه/مقدار) و لگاریتم (بسامد) مشاهده کرد. در این فرمول  $N$  برابر است با تعداد عناصر زبانی،  $K$  برابر است با رتبه/میزان عناصر و  $S$  برابر است با مقدار توان در توزیع. به این ترتیب قانون زیف بسامد عناصر زبانی را پیش‌بینی می‌کند:

$$f(K; S, N) = \frac{1/K^S}{\sum_{m=1}^N (1/n^S)}$$

به‌عنوان مثال در زبان انگلیسی، اگر  $N$  تعداد کلمات موجود در این زبان باشد و ما از مدل کلاسیک قانون زیف استفاده کنیم و توان  $S$  را ۱ بگیریم، میزان وقوع  $K$ ، کلماتی که بیشترین وقوع را دارند، کسر خواهد شد. لذا می‌بینیم که این توزیع قانون‌مند و درست در می‌آید و بسامد پیش‌بینی شده برابر با ۱ خواهد بود:

$$\sum_{k=1}^N f(K; S, N) = 1$$

زیف در کتاب خود (همان: ۶۴) با ارائه داده‌هایی نشان می‌دهد که با کاهش هجاها یا واج‌ها، بسامد وقوع کلمات افزایش می‌یابد. در نتیجه رابطه معکوس بین طول کلمات و فراوانی آن‌ها وجود دارد و گویشوران برای صرفه‌جویی در انرژی بیشتر از کلمات کوتاه شده استفاده می‌کنند یعنی هر تغییری را برای رسیدن به اصل کم‌کوشی و اقتصاد در زبان ایجاد می‌کنند. در سال ۱۹۶۲ مارتینه فرانسوی نیز مکانیزی از تغییر زبان ارائه کرد که از تعامل دو فاکتور شکل می‌گیرد: «اول، نیاز به ارتباط، یعنی آن میزانی از نیاز که گوینده بتواند پیام خود را منتقل کند و دوم، اصل کم‌کوشی که برونداد انرژی گوینده را چه ذهنی و چه فیزیکی، محدود می‌کند تا به حدافل سازگاری برای به‌پایان‌رساندن ارتباط و انتقال پیامش برسد» (مارتینه، ۱۹۶۲: ۱۳۹ به نقل از کارستون ۲۰۰۵). مارتینه و زیف هر دو قائل به دو نیرو هستند که می‌توان گفت نظریاتشان در این زمینه بسیار همپوشی دارد. به بیانی دیگر مارتینه در آنچه که زیف در سال ۱۹۴۹ عنوان کرده بود دمید و آن‌را زنده کرد.

در این تحقیق پژوهشگران سعی دارند از مطالعه جزئیات و واقعیت‌های منفرد به یک اصل و قانون کلی برسند، که این شیوه در حقیقت استقراء نامیده می‌شود. پژوهش حاضر همچنین بر اساس پیکره نوشتاری و گفتاری است و بدون توجه به سن، جنس، لهجه و قومیت ارائه می‌شود. نمونه‌ها و شواهد تحقیق

<sup>1</sup> minimum equation.

<sup>2</sup> law of abbreviation.

حاضر، از منابع مختلف، از جمله فرهنگ‌ها، نوشته‌ها و آگهی‌ها گردآوری شده‌اند و از آن‌جا که برخلاف زبان‌های اروپایی، در زبان فارسی به اختصارسازی توجه بسیار کمتری معطوف شده، منابع فارسی نیز در این زمینه بسیار اندک است، به طوری که در کتاب‌ها و مقالاتی که در حوزه صرف زبان فارسی نگاشته شده، و از شمار انگشتان دست فراتر نمی‌روند، در حد چند صفحه به این موضوع پرداخته شده است. لذا برای گردآوری نمونه‌ها و شواهد منابع خاصی وجود ندارد و تمامی نمونه‌های پژوهش از اسناد و نوشته‌هایی چون روزنامه‌ها، کتابخانه‌ها، مقالات و اینترنت، از اطلاعات شفاهی مثل اخبار علمی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، از مصاحبه با افرادی که از زبانی غیر استاندارد استفاده می‌کنند، از اطلاعات مشاهده‌ای مانند تابلوهای تبلیغاتی و پوسترها و نیز آگهی‌های بازرگانی و همچنین از آثار تاریخی مانند کتیبه‌ها، سکه‌های موجود در موزه و هر اثری که از گذشته باقی مانده انتخاب شده‌اند. این پژوهش همچنین برحسب هدف تحقیقی نظری و برحسب نحوه گردآوری داده‌ها تحقیقی توصیفی (غیر آزمایشگاهی) و در نتیجه رویدادی (علی - مقایسه‌ای) است.

### ۳. فرایند اختصارسازی

فرایند اختصارسازی را می‌توان از شش دیدگاه طبقه‌بندی کرد: ۱- تقسیم‌بندی به لحاظ تجلی زبانی ۲- تقسیم‌بندی به لحاظ تجلی آوایی ۳- تقسیم‌بندی به لحاظ میزان عمومیت ۴- تقسیم‌بندی به لحاظ شیوه ساخت ۵- تقسیم‌بندی به لحاظ سبک ۶- تقسیم‌بندی به لحاظ الگوی ساخت.

#### ۳.۱. تقسیم‌بندی به لحاظ تجلی زبانی

##### کوتاه‌نوشت

این دسته شامل اختصاراتی است که فقط در نوشتار کاربرد دارند و در گفتار استفاده نمی‌شوند و همیشه نشانه اختصاری به صورت یک پارچه تلفظ می‌شود و خواننده برحسب قرارداد آن را یک پارچه تلفظ می‌کند می‌آورد. عمده‌ترین انواع این دست از اختصارات، تک‌حرفی‌ها، مرخم‌ها و فشرده‌ها هستند. مثال:

الف: «خ ل» که خوانده می‌شود «نسخه بدل».

ب: «الخ» که خوانده می‌شود «الی آخر».

##### کوتاه‌گفت

اختصاراتی هستند که هم در نوشتار و هم گفتار به همان صورت مختصر شده ظهور پیدا کرده و تلفظ می‌شوند. (گروه تخصصی اختصارات فرهنگستان، ۱۳۷۸: ۲). مثال:

الف: «ناجا» برای «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران».

ب: «تکا» برای «اداره تدارکات کادر ارتش».

### ۲.۳. تقسیم‌بندی به لحاظ تجلی آوایی

#### هم‌آوا با کلمه‌ای در زبان

بعضی از کلمات اختصاری به‌صورتی ساخته می‌شوند که با کلمه‌ای که از قبل در زبان وجود داشته است هم‌آوا و اغلب هم‌نویسه هستند (اعم از جناس تام و یا چند معنایی).

مثال:

- ۳) الف: «هما» برای «هواپیمایی ملی ایران».  
ب: «باران» برای «پنیا دآبادانی، رشد و توسعه ایران».

#### غیر هم‌آوا با کلمه‌ای در زبان

دسته بزرگی از کلمات اختصاری به‌صورتی ساخته می‌شوند که با کلمه‌ای که از قبل در زبان وجود داشته است هم‌آوا نبوده و نحوه تلفظشان توسط قیاس با کلمات زبان تعیین نمی‌شود.

مثال:

- ۴) الف: «آزفا» برای «آموزش زبان فارسی».  
ب: «دافوس» برای «دانشکده فرماندهی و ستاد».

### ۳.۳. تقسیم‌بندی به لحاظ میزان عمومیت

#### عام

اختصارات عام به آن‌گونه از اختصارات (اعم از کوتاه‌نوشت یا کوتاه‌گفت) اطلاق می‌شود که اکثر مردم جدای از تخصصشان با آن‌ها آشنایی دارند. این اختصارات مربوط به متن یا حوزه خاصی نیستند و حتی اگر مربوط به حوزه دیگری باشند، آنقدر در بین مردم جا افتاده‌اند که صورت عمومی یافته‌اند.

مثال:

- ۵) الف: «ساواک» برای «سازمان اطلاعات و امنیت کشور».  
ب: «ناجا» برای «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران».

#### خاص

اختصارات خاص به آن‌هایی گفته می‌شود که در یک رشته معین از علم، اختصاصاً و برحسب قرارداد



## اختصارسازی در زبان فارسی

افراد آن جمعیت، وضع شده و به کار می‌روند. به‌عنوان نمونه مصاحب (۱۳۴۵: ۷-۲) در دایره‌المعارف خود از تعداد نسبتاً فراوانی اختصار مطابق با روش خود استفاده کرده است؛ مانند «جم» برای «جمعیت». در کتاب-های تجوید نیز اختصاراتی خاص وجود دارد.

مثال:

۶) الف: «ه» برای «وقف لازم».

ب: «ج» برای «وقف جایز».

### ۳.۴. تقسیم‌بندی به‌لحاظ شیوه ساخت

#### آغازسازی

آغازها نوعی کلمه اختصاری هستند که از ترکیب حروف آغازین دو یا چند کلمه، بدون توجه به صورت آوایی آن‌ها ساخته شده و به‌صورت تک تک نوشته می‌شوند.

مثال:

۷) الف: «ک.م.م» برای «کوچکترین مضرب مشترک».

ب: «ه.ش» برای «هجری شمسی»

#### سرواژه‌سازی

سرواژه‌ها (سرنام‌ها) نیز نوعی دیگر از اختصاراتند که از ترکیب حروف آغازین کلمات یک عبارت یا یک نام مرکب، حاصل می‌آیند و معمولاً با حفظ هویت دستوری خود در زبان به‌عنوان کلمه جدید به کار می‌روند. سرواژه‌ها به‌صورت کلمه‌ای واحد تلفظ و نوشته می‌شوند که این ویژگی آن‌ها را از آغازها متمایز می‌کند.

مثال:

۸) الف: «سیبا» برای «سیستم یکپارچه بانک ملی ایران».

ب: «سما» برای «سازمان مدارس آزاد اسلامی».

#### کوتاه‌سازی

کوتاه‌سازی فرایندی است که طی آن یک کلمه چند هجایی، به‌صورت کوتاه‌تری تقلیل می‌یابد، یعنی بخش‌هایی برگزیده می‌شوند (معمولاً بخش‌های نخست) که خوش‌تلفظ بوده و به‌صورت کوتاه‌گفت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مثال:

۹) الف: «آز» برای «آزمایشگاه».

ب: «پیش» برای «پیش‌نیاز».

برخی چون شقاقی (۱۳۸۶: ۱۰۶) معتقدند که حذف عناصر در کوتاه‌سازی می‌تواند از جایگاه آغازی یا میانی باشد و اگر بخش پایانی حذف شود فرایند ترخیم صورت می‌گیرد.

مثال:

ج: «راحتی» برای «مبل راحتی».

د: «خانجان» برای «خانم جان».

### مرخّم‌سازی

در این روش، کلمه اختصاری با حذف دو یا چند حرف از آخر کلمه و یا گاهی استثنائاً از ابتدای کلمه، حاصل می‌شود. فرق اساسی ترخیم با کوتاه‌سازی این است که کلمه مرخّم نوعی کوتاه‌نوشت است ولی کلمه کوتاه شده (بریده) نوعی کوتاه‌گفت است (گروه تخصصی اختصارات، ۱۳۷۸: ۴).

مثال:

۱۰) الف: «رض» برای «رضی‌الله عنه / رضوان الله علیه».

ب: «صح» برای «صحیح».

### پس‌سازی

پس‌سازی یکی از راه‌های کوتاه‌سازی است و همان‌طور که از نامش برمی‌آید، فرایندی است که در جهتی خلاف انتظار متخصصان امر، کلمه‌ای جدید تولید می‌کند. در پس‌سازی هیچ‌و نندی به پایه افزوده نمی‌شود و همیشه کلمه‌ای مشابه در زبان دارند که گویشوران بر اساس شباهت آن‌ها خود دست به ساختن کلمه می‌زنند و با حذف قسمتی از انتهای کلمه‌ای که در زبانشان وجود دارد آن کلمه را می‌سازند (شقاقی، ۱۳۸۶: ۱۰۷).

مثال:

۱۱) الف: «داده‌ها» < «داده».

ب: «قماربازی» < «قمارباز».

### فشرده‌سازی

در این روش برخی از حروف میانی یک کلمه یا بخش‌هایی از میان یک عبارت یا جمله حذف می‌شوند و حروف باقی‌مانده به‌عنوان صورت اختصاری برگزیده می‌شوند. صورت اختصاری در این مورد فشرده نام دارد و معمولاً کوتاه‌نوشت است.

مثال:

۱۲) الف: «تخ» برای «تاریخ».

ب: «ره» برای «رحمه‌الله علیه».

### تلفیق

## اختصارسازی در زبان فارسی

این واژه‌ها که از ادغام بخشی از یک کلمه با بخشی از کلمه دیگر در ترکیب، با حفظ هویت اصلی خود، در زبان گفتار حاصل می‌شوند نوعی دیگر از اختصاراتند که به آن‌ها، آمیخته/آمیژه نیز می‌گویند.  
مثال:

الف: «پیکاژو» برای «پیکان پژو».

ب: «خطاشی» برای «خط و نقاشی».

**نکته:** دو کلمه «سکنجبین(سرکه+انگبین)» و «سکبا(سرکه+با(آش))» حاصل فرایند تلفیق نیستند زیرا «سک» در فارسی میانه به معنی سرکه است نه مخفف آن.

### تک حرف‌گزینی

در این روش تنها یک حرف از حروف اصلی به‌عنوان صورت اختصاری برگزیده می‌شود و تک‌حرفی نام دارد (گروه تخصصی اختصارات، ۱۳۷۸: ۴).  
مثال:

الف: «ص» برای «صفحه».

ب: «خ» برای «خیابان».

### روش ابتکاری

علاوه بر روش‌های پرکاربرد فوق گاه با صورتی اختصاری مواجه می‌شویم که روش ساخت آن مبتکرانه است. چنانچه این روش با اصول دیگر اختصارسازی مغایرت نداشته باشد قابل استفاده است (همان).  
مثال:

الف: «م<sup>آ</sup>» برای «مترمکعب».

ب: «م<sup>آ</sup>» برای «مترمکعب».

### ۳. ۵. تقسیم‌بندی به لحاظ صورت ادبی

۳. ۵. ۱. صورت عامیانه (غیررسمی):

این دسته نیز شامل اختصاراتی هستند که فقط در گفتار افراد وجود دارند، صورت مکتوب ندارند، بسیار عوامانه‌اند و برحسب قرارداد و ذوق گویشوران رواج پیدا کرده‌اند. اختصارات عامیانه مطابق با شش مشخصه ساخته می‌شوند که هر یک دارای چند الگو هستند:

### مبتنی بر تغییر معنایی

منظور اختصاراتی است که در صورت عالمانه دارای معنی هستند ولی در صورت عامیانه دچار تغییر

معنایی<sup>۱</sup> شده‌اند.

مثال:

۱۶) الف: «کاگب»: خبرچین/جاسوس.

ب: «بی‌بی‌سی»: خبرچین/جاسوس.

مبتنی بر مشخصه نوشتاری<sup>۲</sup>

براساس انتخاب حرف اول کلمات

مثال:

۱۷) الف: «چَمَن»: چاکر، مخلص، نوکر.

ب: «پِ پِ»: پول، پارتی.

براساس انتخاب حرف اول کلمات+ی

مثال:

۱۸) الف: «زی ذی»: زن ذلیل.

ب: «زی زی ذی»: زرمی‌زنه زن ذلیل.

براساس انتخاب دو حرف اول کلمات+ی

مثال:

۱۹) الف: «آلی»: آلاله (اسم خاص).

ب: «آزی»: آزاده (اسم خاص).

ج: «پسی»: پسر.

براساس انتخاب سه حرف اول کلمات

مثال:

۲۰) الف: «قاط»: قاطی.

<sup>۱</sup> semantic change.

<sup>۲</sup> ذکر کلمه‌ی نوشتاری به معنی صورت مکتوب کلمه‌ی اختصاری نیست.

ب: «مشت»: مَشْتی (عالی).

### براساس انتخاب سه حرف اول کلمات+ی

مثال:

۲۱) الف: «نازی»: نازِ نین.

ب: «فاطی»: فاطمه.

### براساس حروف انگلیسی

مثال:

۲۲) الف: «سی جی»: سیگار (cigar).

ب: «بی اف»: دوست پسر (به قیاس از Boy Friend).

### براساس حذف حرف دوم کلمات

مثال:

۲۳) الف: «عب»: عیب.

ب: «آجی»: آجی.

### براساس حذف حرف آخر کلمات

مثال:

۲۴) الف: «سُمی»: سمیه.

ب: «عالی»: عالیهِ (اسم خاص).

بسیاری از اسامی خاص مونث مختوم به حرف «ه» در صورتی که جفت مذکر نداشته باشند و انواع دیگر اختصارسازی برایشان قابل استفاده نباشد به این شکل مختصر می‌شوند. به عنوان مثال این فرایند برای اسم خاص مونث «طیبه» رخ نمی‌دهد چون «طیب» برای اسم خاص مذکر وجود دارد.

### براساس حذف صورت کامل کلمات

مثال:

۲۵) الف: «دستی»: ترمز دستی.

ب: «چهاردره»: اتومبیل چهاردره.

مبتنی بر مشخصه واجی

براساس انتخاب هجای اول کلمات

مثال:

۲۶) الف: «آک»: آکبند<sup>۱</sup>.

ب: «أس»: أسکول.

براساس انتخاب هجای اول کلمات+ی

مثال:

۲۷) الف: «إبی»: ابراهیم.

ب: «إسی»: اسماعیل.

بر اساس انتخاب دو هجای اول کلمات

مثال:

۲۸) الف: «إیول»: ای والله.

ب: «کلان»: کلانتری.

بر اساس حذف هجای اول کلمات

مثال:

۲۹) الف: «کرتم»: نوکرتم.

ب: «کرتم»: چاکرتم

بر اساس تلفظ حروف انگلیسی

مثال:

۳۰) الف: «إفجی‌اس»: فِول جِواد سِیستم<sup>۲</sup>.

---

<sup>۱</sup> کلمه‌ی «آکبند» قرضی است.

<sup>۲</sup> در این نوع اختصار با وجودی که منبع اختصار عبارتی فارسی است اما سرنام آن به صورت حروف انگلیسی تلفظ می‌شود.

ب: «ام جی اس»: مولتی جواد سیستم.

براساس قیاس با اختصارات مشابه انگلیسی

مثال:

۳۱ الف: «ژی ام و: زیان (به قیاس از **BMW**)<sup>۱</sup>.

ب: «دبلیو دات کام»: **W.C** (دستشویی).

براساس الگوی ترکیبی

مثال:

۳۲ «مملی<sup>۲</sup>: محمد علی».

بر اساس منبع نامشخص

مثال:

۳۳ الف: «رتت»: بی خیال.

ب: «فی فی»: نازک نارنجی.

نکته: تفاوت اختصارات عامیانه با کوتاه‌گفت در این است که اختصارات عامیانه فقط در گفتار قشر خاصی از گویشوران مورد استفاده قرار می‌گیرند و صورت مکتوب ندارند و بسیار غیر رسمی هستند.

۳. ۵. ۲. صورت عالمانه (رسمی)

به‌طور کلی آن گروه از اختصارات که قابل نگارش هستند و در متون مختلف قابل استفاده بوده و در جراید و سخنرانی‌ها به کار می‌روند جزء این دسته هستند و مطابق الگوهای زیر ساخته می‌شوند.

۳. ۶. تقسیم‌بندی به لحاظ الگوی ساخت

در این نوع دسته‌بندی، اختصارات به سه گروه کلی واژه‌گونه، حرف‌گونه و ترکیبی تقسیم می‌شوند.

<sup>۱</sup> این اختصار در زبان انگلیسی «بی‌ام دابلیو» و در زبان فارسی و آلمانی «بی‌ام و» تلفظ می‌شود.

<sup>۲</sup> به قیاس از [www.com](http://www.com)

<sup>۳</sup> این اختصار طی سه مرحله ساخته شده است. ابتدا «محمد» به «ممد» تبدیل شده و پس از حذف هجای اول «علی» به آن چسبیده است.

۳. ۶. ۱. اختصاراتِ واژه‌گونه

اختصاراتِ واژه‌گونه به اختصاراتی اطلاق می‌گردد که همچون یک واژه نوشته و تلفظ می‌شوند که عمده‌ترین آن‌ها سرواژه‌ها هستند. اختصاراتِ واژه‌گونه مبتنی بر مشخصه‌های نوشتاری، واجی، واجی-نوشتاری، صرفی، صرفی-نوشتاری، واجی-صرفی-نوشتاری و قرص‌گیری هستند.

### مبتنی بر مشخصه نوشتاری

#### بر اساس انتخاب حروف کلمات

مثال:

۳۴ الف: پنها: پشتیبانی و نوسازی هلیکوپترهای ایران.  
ب: سادا: سازمان اسلامی دانشجویان ایران.

#### بر اساس اختصارات مشابه

مثال:

۳۵ شاجا: شهربانی جمهوری اسلامی ایران.

نکته: در این سرواژه با قیاس با ناجا، نهاجا، نزاجا،... و دیگر ارگان‌های مشابه، حرف « الف » اضافه شده است.

#### بر اساس معادل انگلیسی

مثال:

۳۶ ایلنا: خبرگزاری کار ایران

**ILNA: Iranian Labor News Agency.**

ب: ایرنا: خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایران).

**IRNA: Islamic Republic News Agency.**

#### بر اساس ترجمه

در این نوع، کلمه اختصاری حاصل از ترجمه عبارت انگلیسی است.

مثال:



۳۷) ناکا: نشانگان اکتسابی کمبود ایمنی

### Acquired immunodeficiency syndrome

مبتنی بر مشخصه واجی

بر اساس انتخاب هجای اول کلمات

مثال:

۳۸) الف: آز: آزمایشگاه (واحد درسی).

ب: پیش: پیش‌نیاز.

بر اساس انتخاب هجای آخر کلمات

مثال:

۳۹) الف: عت: ساعت.

ب: قه: دقیقه.

مبتنی بر مشخصه واجی - نوشتاری

بر اساس انتخاب حروف و هجای کلمات

مثال:

۴۰) الف: آزفا: آموزش زبان فارسی.

ب: حماس: حرکت مقاومت اسلامی (فلسطین).

مبتنی بر مشخصه صرفی

بر اساس جانشین‌سازی عنصر صرفی

مثال:

۴۱) الف: بی‌تا: بدون تاریخ انتشار.

ب: بی‌نا: بدون ناشر.

در این واژه‌های اختصاری، پیشوند «بی» که عنصری صرفی است به‌جای کلمه «بدون» آمده است.

مبتنی بر مشخصه صرفی - نوشتاری

بر اساس انتخاب حرف ربط و حروف کلمات

مثال:

(۴۲) الف: توانیر: تولید و انتقال نیرو.

ب: پورا: (شرکت) پوست و روده ایران.

مبتنی بر مشخصه واجی - صرفی - نوشتاری

بر اساس انتخاب هجا، حرف ربط و حروف کلمات

مثال:

(۴۳) دافوس: دانشکده فرماندهی و ستاد.

مبتنی بر قرض‌گیری

مثال:

(۴۳) الف: ایزو: سازمان استاندارد بین‌المللی.

**ISO: International Standard Organization.**

ب: ایران‌سیل: ایران سیل - فون.

**Iran-Cell: Iran Cellular Phone System.**

۳. ۶. ۲. اختصارات حرف‌گونه

اختصارات حرف‌گونه به اختصاراتی گفته می‌شود که حرف‌به‌حرف نوشته و تلفظ می‌شوند و ساخت آن‌ها مبتنی بر مشخصه‌های نوشتاری، واجی است.

مبتنی بر مشخصه نوشتاری

بر اساس حرف اول کلمات

مثال:

(۴۴) الف: ب.م.م: بزرگترین مضرِب مشترک.

ب: ت.ت.ت: تاکسی تلفنی تهران.

براساس حرف آخر کلمات

مثال:

(۴۴) ل: شمال.

بر اساس قرض گیری

مثال:

(۴۵) الف: آی.کیو Intelligent Quotient: IQ

ب: آی.سی.یو: Intensive Care Unit: ICU

مبتنی بر مشخصه واجی

براساس تلفظ انگلیسی

مثال:

(۴۵) تی بی تی: تِرابری بین المللی تهران.

براساس حروف و تلفظ انگلیسی

مثال:

(۴۶) الف: RPA: رایان پردازان آشنا.

ب: TDH: تصویر دنیای هنر.

۳. ۶. ۳. اختصارات ترکیبی

بر اساس ترکیبی از اختصارات واژه گونه و حرف گونه

مثال:

(۴۷) الف: پ.ق.نزا:ا: پشتیبانی قرارگاه نزا:ا.

ب: آ.ج.پ.نزا:ا: آجودانی پرسنل نزا:ا.

بر اساس ترکیب با نماد عددی

مثال:

(۴۸) الف: م<sup>۲</sup>: متر مربع.ب: س م<sup>۲</sup>: سانتیمتر مربع.

## ۴. نتیجه

شواهد ارائه شده در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که واژه‌های اختصاری موجود بر روی سکه‌ها و همچنین در متون پهلوی، همانند اختصارات فارسی نو گویای قاعده‌مندی این فرایند واژه‌سازی است زیرا الگوی ساخت تمامی نمونه‌ها در آن دوران مبتنی بر مشخصه نوشتاری بوده‌است. یعنی تمام کلمات اختصاری براساس انتخاب حروف اول کلمات ساخته شده‌اند که غالباً دو حرف اول است.

کثرت استفاده از اختصارات در برخی از زبان‌های دنیا، از جمله زبان انگلیسی، تابه‌آنجا پیش رفته‌است که از این فرایند به‌عنوان زبانی در دل زبان اصلی و در جهت تقویت آن یاد می‌شود. ولی متأسفانه در زبان فارسی استفاده از اختصارات قرضی به جای اختصارات فارسی به‌ویژه در حوزه علوم رواج بیشتری دارد، که این امر در صورت عدم کنترل باعث آسیب دیدن زبان ملی ما می‌شود. به‌همین‌منظور نگارندگان با توجه به ضرورت اختصارسازی در زبان فارسی به بررسی اختصارات این زبان پرداخته‌اند تا بتوانند با معرفی شیوه‌ها و الگوهای اختصارسازی در فارسی امروز راه‌هایی برای رواج بیشتر این فرایند واژه‌سازی پیشنهاد کنند. با بررسی نمونه‌ها این نتیجه حاصل شد که زبان فارسی از سرواژه‌سازی که از متأخرترین شیوه‌های اختصارسازی است بیش از هر نوع دیگر آن استفاده می‌کند (نزدیک به ۵۱ درصد) و در سرواژه‌هایی که حاصل اختصارسازی چندین کلمه یا عبارت هستند، دیده شد که اغلب، حروف آغازین تمامی کلمات در سرواژه نمی‌آیند. زیرا اولاً از آنجا که زبان بر اساس اصول اقتصاد و کم‌کوشی همواره گرایش به اختصار دارد، مانع از طولیل شدن کلمه اختصاری می‌شود. از این‌رو اغلب حروف اول کلمات مهم عبارت در کلمه اختصاری می‌آیند. دوم این‌که اهل زبان کلمه‌ای را وضع می‌کند که زیبا بوده و قابلیت تلفظ داشته باشد. پس در این فرایند واژه‌سازی ارجحیت با انتخاب حروفی است که در کنار هم به سهولت تلفظ<sup>۱</sup> شوند و به تعبیر دیگر تنافر حروف<sup>۲</sup> نداشته باشند تا در مسیر تلفظ مشکلی پیش نیاید.

هرچند قابلیت تلفظ به‌تنهایی ملاک انتخاب نیست، زیرا در ساختن اختصاری که از کنار هم گذاردن حروف چند کلمه یا عبارت حاصل می‌شود اولویت ساخت با الگوی کلمه‌ای خوش‌آوا است، که ترجیحاً از قبل در زبان وجود داشته‌باشد، به‌عنوان مثال نحوه تلفظ سرواژه عبارت «سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها»، «سَمَت» (/samt/) است و نه «سُمَت» (/somt/) یا «سِمَت» (/semt/) و یا سِمَت (/semat/) زیرا از قبل کلمه «سَمَت» به معنی «جهت و سو» که دارای بار معنایی مثبت نیز هست در زبان

<sup>۶</sup> ease of articulation.<sup>۷</sup> در علم معنی، به عدم داشتن قرابت تلفظ حروف در کنار هم، تنافر حروف می‌گویند.

## اختصارسازی در زبان فارسی

وجود داشته و این اختصار به قیاس با آن ساخته شده است. لذا اولویت تلفظ با «سَمَت» است. در غیر مواردی از این دست، عوامل واج شناختی و آواشناختی در نحوه تلفظ کلمات حاصله دخالت می کنند. به طور واضح تر، از بین دو حرفی که عیناً مانند هم اند و جایگاه تولید<sup>۱</sup> واحدی دارند و یا جایگاه تولید نزدیک به هم دارند یکی انتخاب می شود. مثلاً در سرواژه «رجا» که اختصار «راه آهن جمهوری اسلامی ایران» است، از بین دو حرف «الف» در دو کلمه «اسلامی» و «ایران» یکی انتخاب می گردد. انتخاب حروف و نحوه تلفظ کلمات اختصاری در هر زبان همچنین به پارامترهایی چون تعداد و جایگاه واژه ها و واج آرای آن زبان نیز بستگی دارد. در زبان فارسی، بیشتر، گرایش بر این است که اختصارات حاصل، صورت واژه گونه داشته باشند و همان گونه که بیشتر نیز گفته شد نحوه تلفظ آن ها در صورت شبیه بودن با یکی از واژه های موجود، ابتدا بر اساس قیاس با آن واژه تعیین گردد. نکته مهم دیگر این است که اصل اقتصاد تا به آنجا بر این فرایند اعمال می شود، یا به عبارت دیگر اختصارسازی تا جایی صورت می گیرد، که اصل رسانگی را نقض نکند یعنی کلمه اختصاری نباید آنقدر کوتاه باشد که به عنصری بی معنی بدل گردد بلکه باید معرف و راهنمای کلمه یا عبارت اصلی باشد. در مواردی مثل «خ» برای «خیابان»، «پ» برای «پلاک»، «ل» برای «شمال» و از این قبیل که تعداد محدودی در میان اختصارات فارسی دارند به دلیل آن که همیشه در بافتی خاص استفاده می گردند، ابهام زدایی می شوند. اختصاراتی مثل «ص» برای «صفحه» و «صلوات الله علیه» نیز به دلیل کثرت استفاده، معنای روشنی دارند اما در مورد عباراتی مثل «سازمان اسلامی دانشجویان ایران» که کلمه اختصاری آن «سادا» است، وضع اختصاری مانند «س» تخطی از اصل رسانگی خواهد بود. با تحلیل واجی مجموع اختصاراتی که نگارندگان در اختیار داشته اند نتایج زیر نیز بدست آمده است:

جدول ۳. تعداد هجاهای تشکیل دهنده اختصارات فارسی

ساخت هجاها	بسامد
تک هجایی	٪۸/۴
دو هجایی	٪۶۵/۵
سه هجایی	٪۲۱/۵
چهار هجایی	٪۴/۶

آمار جدول بیان کننده آن است که میزان قابل توجهی از اختصارات زبان فارسی را اختصارات دو هجایی تشکیل می دهند. جدول (۴) نیز نشان دهنده ساخت هجایی این اختصارات است.

<sup>۸</sup> place of articulation.

جدول ۴. ساخت هجایی اختصارات فارسی

بسامد	ساخت هجایی
٪ ۶۴/۶	CV
٪ ۲۹/۲	CVC
٪ ۶/۲	CVCC

این بررسی نشان می‌دهد که ساخت هجایی اختصارات زبان فارسی، بیشتر به استفاده از هجای باز گرایش دارد، که ساخت هجایی سرواژه‌ها نیز اغلب همین نوع از هجا است.

مقاله حاضر با ذکر الگوهای ساختوازی اختصارات و با تایید نظریهٔ زیف (۱۹۴۹: vii) که معتقد است: «اصل اقتصاد بر تمامی حوزه‌های فعالیت بشری حاکم است و رفتار زبانی ما را نیز تحت کنترل دارد»، نشان می‌دهد نیروی بازدارنده‌ای وجود دارد که توسط اصل اقتصاد گوینده و شنونده اعمال می‌گردد. اصلی که گوینده را به صرف حداقل انرژی و شنونده را به دریافت حداکثر وضوح واداشته و نقش بسیار مهم و تعدیل‌کننده‌ای در زبان دارد، بطوری‌که هر تغییر غیراقتصادی که در صرف انرژی و تلاش، هزینه زیادی بر سیستم تحمیل کند به‌طور خودکار حذف شده و یا از آن اجتناب خواهد شد. در اصل، طبیعت اقتصاد، معیار تنظیم‌کنندهٔ تمامی جنبه‌های رفتار بشری است که توسط اصل کم‌کوشی کنترل می‌شود.

## منابع

- اسلامی پناه (یزدی)، مهدی (۱۳۸۳)، *تفسیر ادبی قرآن*، تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۶)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، تهران: انتشارات سخن.
- (۱۳۷۵)، *زبان پهلوی-ادبیات و دستوران*، تهران: انتشارات معین.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۶۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: انتشارات مروی.
- شریفی، لیلیا (۱۳۸۷)، *بررسی فرایند اختصارسازی در زبان فارسی*، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکدهٔ زبانهای خارجی و ادبیات.
- شقاقی، ویدا (۱۳۸۶)، *مبانی صرف*، تهران: سمت.
- فامیان، علی (۱۳۷۰)، *بررسی فرهنگ-گذر سرنام در انگلیسی و فارسی*، مجموعه مقالات هفتمین همایش زبان شناسی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی - گروه اختصارات - (۱۳۷۸)، *اصول و ضوابط و روشهای اختصارسازی*، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

کافی، علی (۱۳۷۰)، *اختصارات و زبان فارسی*، تهران: نشر دانش، سال یازدهم، شماره پنجم.

کرمی، علی (۱۳۸۴). «روشهای واژه‌گزینی». تهران: انتشارات رشد آموزش زبان و ادب فارسی.

لوکوک، پی‌یر (۱۳۸۶). *کتیبه‌های هخامنشی*. ترجمه نازیلا خلخالی. تهران: انتشارات فرزاد روز.

مختاری معمار، حسین (۱۳۸۲). «مروری بر آغازها و اختصارات در زبان فارسی». تهران: انتشارات سخن سمت.

مصاحب، غلامحسین (۱۳۴۵). *دایره‌المعارف فارسی*. تهران: مؤسسه فرانکلین.

هراتی، معصومه (۱۳۸۵). *بررسی سرواژه‌سازی در زبان فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور.

Aronoff M. and K.Fuderman (2005). *What is Morphology?*. University of New York. Srony Brook.

Bankole. A (2006). *Dealing With Abbreviations In Translation*. Nigeria: Lagos State.University Translation Journal.

Carston,R. (2005). A Note on Pragmatic principle of Least Effort.

<http://www.glottopedia.com>

Evans, V. and M.Green (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh University Press.

Keith, B.(2006). *Encyclopedia of language & linguistics*. Elsevier.

Kreidler, C.W.(1979). *Creating New words By Shortening*. Journal of English Linguistics, No. 13.

Lopez Rua, P.(2002). *On the Structure of Acronyms and Neighboring Categoies: A Prototype-based Account*. English language.

----- (2004). *Acronyms & Co : A typology of typologies*. Estudios Inglesse La Univeridad Complutense. Vol 12.

Martinet, A. (1962). *A Functional View of Language*. Oxford: Clarendon Press.

Montgomery, C.(1990). *Acronyms and abbreviations in library and Information work: a reference handbook of British usage*. London: The Library Association.

Mester, R.A.(1990). *Patterns of Truncation*. Linguistic Inquiry.

Norton ,P.B.(1994).*Encyclopedia Britannica*, Vol 1.Chicago: Encyclopedia Britannica Inc.

Oppert, J.(1851). *Les Inscriptions des Achéménides*. Paris: text, translation, notes.

Paxton, J.(1986). *Everymans Dictionary of Abbreviations*. London: J.M. Dent .s.e.

Schindel, N.(2004). *Sasanian Coinage*.

<http://www.iranica.com>

Thomas, R.C. and T.Crowey (1973). *Acronyms and Initialisms Dictionary*. Detroit, 4<sup>th</sup> ed.

Zipf ,G. (1949). *Human Behavior And The Principle Of Least Effort*, Boston: Addison Wesley.

